

دولت روسیه را که در این زمان  
از پیشانی بیخود و کشاورزان جنگی-  
فروری برپا داشت که در این کشور  
دولتی سیاسی را ایجاد کرد و در  
آن مردمان بزرگ که گوشه نشین  
انگیزه خود را آتش باغی گزیدند  
آنکه اوداران این دولت را  
سرکوب کردند و ستم گری خود را  
میلان استوار دادند.

از این رو یکسانی که بر آغوش آینه  
دور بار بهشتیای فرمان شاهانه گزیدند  
در هر گز به آتش خاموشی این  
کافران بی شک نیستی میخواستند پا دل  
گری خود را دستور اسلام جلوه دهند  
و این مردم خود را یاور بزرگ و  
قوانین فرمان شاهانه را بخود نمانده آنرا  
راستی آگاه به گداز گری پیکار می داشتند  
اما از هم آن بخوبی بیرون کشیدند  
فرمانی از دوش کاروانرانشندیدند  
مهر ما را با دقت و در یک لحظه سیاسی



نامه های مردم بما

# شاهکار ادبیات مکتب مساتریا لیسیم

فاشیست و مز دور امیر یالیست - سبک تازه

میارزه بی گیر پشناها دودیرستان بو علی - روزفرخنده

اقلاب نصر پندجیمی شگاره آخن - گورچم و جنبش

ملت خواهانه - فکاهیات بسزدک بیماری روحی - حزب لبرد

ایران وجهه ملی - لیداری شهرستانها - آهنگهای مرگبار

چندال پیشرو زمانه «مردم متفک» مقالات برآب و تابی در باره ادبیات

مکتب مایرالیسم منشر میشد که ماته باوه گو تپهای یشتاران مسلطه آخیز و

مشتاب بودولی درهت پیش یس از اشتار و نخستین شماره آبادانا نقش نامه یکی

اوجه پشناها و تازان ابرامید ماته یس از پشناها یسین مفهوم مسطه های توده ای

ما در باره ادبیات اختراعی آتپا بی بریدم زیرا با یک شاهکار ادبیات مایرالیسم

دور و شیم

چونچه پشناها را بر این المه کلمات و تعبیرات ویژه بلندگوهای توده ای بکار

برده و معبر میزما را که از جرمش پرستی گناهی ندارد «فاشیست» و «مزدور

امیرالیست» خوانه با او خوشگین کردن توده ایها و دیگر دشمنان ملت بخود

می یابیم ولی چونچه پشناها را تهرمان خود را بیکانه می داییم تغییر ها هم از

هیئت حاکمه کنونیست پرور و مکتب چی ها و پشناها را گریزانی مسطه یابی

است که جوانان مارا بیراهه می براند اما در صورت ملت ما بی خاسته است نامرسمه

هیئت حاکمه و مکتب تربیت دودیرا که در مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

درهم ریخته و چای داری فرنگ استامبولی آموزشگاهی باز کند که تسونلوان

ملت را برای زندگی آزاده و خراشتندانه و نیرد در راه راستی و درستی آماده کند

ما فاشیست مکتب دلی را که در مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

ملت خود را با این نام خوانده در مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

هستم که چه چیز خود را در راه ملت خود خورشید میکنم

آقای م... دانش آموز دبیرستان بوعلی

می نویسد: توده ای ما مدرسه مارا مرکز توده بازی و توده گریهای خود

قرار داده و آموزش کاروان توده ای دبیرستان در کلاسها تبلیغات کمونیستی می

کنند ولی این آموزش کاروان به سبک جدید و کورده ای برای میارزه با دانش

آموزان روشن بین و ملتخواه دست زده بر کسی که در برابر مسطه های

دیکتاتوری آلمان سرافراز و توده ای میکنند باکم دادن توده ای درسی اوراق

تیراندازی که ادبیش خود توده ای آورده اند

این مبارزه بی گریز و بی امان است توده ایها در دبیرستان بوعلی می رانند

که توده ایها در همه جا «پشترو» و «پشناها» بوده و حتی چگونگی میارزه

آنها نیز با لبرد کدام ها به تیراندازی دارند ما مایرالیست داریم که این گریزها

با گریزها و زشتکاری های خود نخواهند توانست ملت ایران را از تیر و تیر و تیر

گدرد پیش گرفته اند با آنها بیزند بر بخوبیه و ایران را از بدنامی بیکی و تیره

پشتی را می رانند

آقای رفیع محمدی

در نامه سرگشته ای که برای ما فرستاد در باره توده ایها و روزهای

آقای معطی عسری در بنگاه دار آهن شرح مبسوط یافته و دشمنانه انتصاب

آقای معطی عسری را به دبیرت اداری بنگاه بافت از جوار دوسری کرمانشاه

رام آهن «دانش» است اما پشناها را به مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

میکنند سرخسین و پیرا این دو گانه ها را مقدمه و از گدرد شدن خج پشناگری

بیکانه حاکم مایرالیسم مارا به دست آوردن بدست از گدردن اطلاعات بیشتری

در باره نادرستی ما آقای معطی عسری گفتگو خواهیم کرد

آقای امیر میر فخرانی

دانش آموز در مقاله ای عنوان «با این روز فرخنده امیراوری» وضع

مردم دودیر را «فیلر باطل حمل» داشته می نویسد:

دشمن در هر کجای دنیا گام بگذارد با اینجه سیاحتاری و درمانگی

دور و سرعه ایست که در سر انتصاب مردم را به فرا رسیدن روز فرخنده انقلاب

دوره داده و با آنها بیزند بر بخوبیه و ایران را از بدنامی بیکی و تیره

پشتی را می رانند

# مشهدی غضنفر با چپق

مانده از صفحه ۱

بودا چه چارشته به کسانه سلاهه سوی

خانه امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

روزنامه و آبادانا را برای خود میخواند

اولی رسیدم که میاد چیره می نوشته

باشیم که مکتبی از آن خوش میامد به طاق

ایرونی تکرار بر خورده با دشواریان ترتیب

دیگر غضنفر از (کول) با پاشین تپامه

امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

روزنامه و آبادانا را برای خود میخواند

اولی رسیدم که میاد چیره می نوشته

باشیم که مکتبی از آن خوش میامد به طاق

ایرونی تکرار بر خورده با دشواریان ترتیب

دیگر غضنفر از (کول) با پاشین تپامه

امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

روزنامه و آبادانا را برای خود میخواند

اولی رسیدم که میاد چیره می نوشته

باشیم که مکتبی از آن خوش میامد به طاق

ایرونی تکرار بر خورده با دشواریان ترتیب

دیگر غضنفر از (کول) با پاشین تپامه

امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

روزنامه و آبادانا را برای خود میخواند

اولی رسیدم که میاد چیره می نوشته

باشیم که مکتبی از آن خوش میامد به طاق

ایرونی تکرار بر خورده با دشواریان ترتیب

دیگر غضنفر از (کول) با پاشین تپامه

امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

روزنامه و آبادانا را برای خود میخواند

اولی رسیدم که میاد چیره می نوشته

باشیم که مکتبی از آن خوش میامد به طاق

ایرونی تکرار بر خورده با دشواریان ترتیب

دیگر غضنفر از (کول) با پاشین تپامه

امید خود برینم وقتی که خسته و

کوتاه با آتپا رستم خنوزهم بر بوبها

تپامه بودند

مشهدی غضنفر کوشه ای کر کرده

# تیمسار کبیر هم

مانده از صفحه ۱

آقای رزم آرا در آن روز ما باین دستگاره

و نقش ما و کترانس های آتپا

خود بودم فریبی سرگرم بود که درهت

های نخست بر همه کورین ها افزوده شده

و گریه و بیقراری را دیگر شد

ملت ایران قریب نغوره میادست که

این آتپا با این دینی و کیکینه و لغت و

کنترانس ها بر کتف آتپا دراد که

مردم ایران را از بنر هائی بشده

گذشته از اینکند دیری درادمان نخواهد کرد

ماوریت دارد که بیادری ساری

سران دستگاره حاکمه حلقه های

بندگی را بر گردن توده مردم

نگین سازده

مردم میادست که روزم آتپا پیش

آزوری که از مردم سالها کار کردن

دولتی بوده بنا بر این آتپا هم کار

ناقص نیست

آقای رزم آرا شاید در این دوره

اصلاحی که حل آورد این بود دستور

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را

فرمود تا توپیلها را و توپیلها را



آگهی اداری

بکشتن زمین‌های آلوده کارخانه هفت  
سای در شیکار شهر اکتون برای مدتی  
چهارهفته دیرین راه است  
مجموعه زمین‌های آلوده  
بطوریکه تخمین زده شده تقریباً ۳۰۰  
میلیون روبیه در حدود ۴ میلیون پال بالغ  
میکرد



